

نامه مشترک وزرای خارجه ایران، چین و روسیه درباره اسنپک

وزرای خارجه ایران، چین و روسیه با ارسال نامه مشترکی به دبیرکل سازمان ملل متحد و رئیس شورای امنیت، با رد تلاش سه کشور اروپایی جهت احیای قطعنامه‌های لغوشده شورای امنیت علیه ایران، تصریح کردند اعلان ارسالی سه کشور اروپایی به شورای امنیت بر خلاف رویه‌های مندرج در برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ و فاقد مبنای حقوقی لازم است و باید باطل و بلاثر در نظر گرفته شود. در بخشی از نامه مشترک وزرای خارجه، آمده است: «اقدام وزرای امور خارجه سه کشور اروپایی (E۳) به وضوح مغایر با قطعنامه مذکور است و بنابراین، ذاتاً از نظر حقوقی و رویه‌ای معیوب می‌باشد. این نامه با یادآوری وضعیت کنونی برجام حاصل خروج یکجانبه آمریکا و عدم جبران اثرات منفی این تصمیم توسط کشورهای اروپایی است، تأکید کرده مادامی که به آثار خروج آمریکا از برجام به نحو مقتضی رسیدگی نشود، امکان اعمال سازوکار حل‌وفصل اختلافات علیه ایران وجود ندارد. وزرای خارجه ایران، چین و روسیه تصریح کرده‌اند که بر خلاف اقدامات طرف‌های اروپایی، «اقدامات جبرانی ایران، از جمله تعلیق اجرای تعهدات برجامی، مشخصاً در پاسخ به خروج آمریکا و نقض تمامی تعهدات آن و پس از دوره‌ای تداوم‌یافته از پایبندی مستمر ایران و عدم اقدام سه کشور اروپایی (E۳) /اتحادیه اروپا در جبران وضعیت اجرا شد. نامه مشترک سه کشور ایران، چین و روسیه با یادآوری اینکه به گواه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ایران پس از اجرایی شدن برجام در سال ۲۰۱۵ تعهدات خود را اجرایی کرده، تأکید نموده است «اعمال مجدد تحریم‌های خاتمه‌یافته شورای امنیت علیه ایران غیرمنطقی و نامعقول است. در این نامه تصریح شده است که باتوجه‌به دلایل مزبور، «شورای امنیت نمی‌تواند بر اساس نامه ارائه‌شده توسط سه کشور اروپایی (E۳) اقدام کند و باید آن را باطل و بلاثر در نظر گیرد. سه کشور از اعضای شورای امنیت خواسته‌اند با رد اعلان ارسالی سه کشور اروپایی (E۳) بر پایبندی خود به اصول حقوق بین‌الملل و دیپلماسی چندجانبه‌صحه‌گذازند. در پایان، این نامه ضمن توصیه به همه طرف‌ها جهت پیگیری مسیر گفتگو و دیپلماسی، تأکید نموده باید از اعاب، تحریم و تهدید به استفاده از زور، اجتناب شود.



سی روز فرصت حل مسائل داریم

کایا کالاس، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا مدعی شد که ایران از مدت‌ها قبل شرایط مندرج در برجام را رعایت نکرده و اکنون تروئیکای اروپا، حق تصمیم‌گیری درباره فعال‌سازی مکانیسم ماشه را دارد. وی مدعی شد: «اگر به برجام و شرایط مندرج در آن توجه کنید، ایران مدت‌هاست که آن شرایط را رعایت نکرده است». کالاس ادامه داد: «بنابراین، تصمیم‌گیری با سه کشور اروپایی امده است و البته اکنون ما فرصتی ۳۰ روزه برای حل‌وفصل مسائل داریم و شاید به یک راه‌حل متفاوت برسیم». وی گفت که درباره برنامه هسته‌ای ایران، برنامه‌موشک‌های بالستیک و حمایت تهران از روسیه در جنگ اوکراین نگرانی‌هایی داریم.



بازرسان برای بوشهر آمدند

رئیس سازمان انرژی اتمی از سفر دو بازرس آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به ایران با مجوز دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی خبر داد. محمد اسلامی درباره بازرسی اخیر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از فرایند تعویض سوخت نیروگاه اتمی بوشهر گفت: همکاری با آژانس یک بحث در حال پیگیری، بر اساس قانون مجلس است. بحث نظارت آژانس بر فرایند تعویض سوخت نیروگاه اتمی بوشهر، در دستور کار بود که با اجازه دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی این نظارت انجام شد. دو بازرس آمدند و بر این فرایند نظارت کردند و رفتند.

قابل استفاده برسد.

همه این بحث‌ها در حالی است که به گفته مقامات وزارت خارجه و سازمان انرژی اتمی ایران، برنامه هسته‌ای فعلاً متوقف است. خبری که باتوجه به حملات گسترده‌ای که باز به گفته همان مقامات، آسیب‌های جدی وارد کرده، منطقی و قریب به واقعیت هست.

به عبارت دیگر، تندروها حرفشان این است که ایران در شرایطی که فعلاً امکان غنی‌سازی در سطح پیشین را هم ندارد، باید تهدید می‌شود، آنهم بدون اینکه بتواند اقدامی واقعی در این زمینه بکند.

کجای این ایده منطقی و عقلانی و معطوف به نتیجه است؟

لاید برداشت‌شان این است که با این اقدام طرف مقابل عقب‌نشینی خواهد کرد. بدون اینکه مشخص باشد، با کدام محاسبه پویه‌شناسی قدرت، طرف مقابل بناسست تصور کند تنها ابزارش برای مواجهه با تهدید ایران، پذیرش خواست ایران خواهد بود. اصل پرونده هسته‌ای در تمام این سال‌ها، بر سر این جالش بوده: ایرانی که عضوان پی‌تی است، می‌خواهد برنامه غنی‌سازی هسته‌ای داشته باشد و طرف‌های دیگر مخالف‌اند؛ حامیان این طرح اما تصور می‌کنند اگر ایران عضوان پی‌تی هم نباشد و مطلقاً تعهدی در زمینه ابعاد و اهداف برنامه هسته‌ای نداشته باشد، ناگهان موضع طرف مقابل تغییر می‌کند.

گروهی دیگر البته نگاهی از این فراتر دارند و معتقدند اصلاً ایران باید به استقبال تقابل و حتی گزینه نظامی برود. به اعتقاد این گروه، ایران می‌تواند علاوه بر تهدیدات و تحریم‌ها از سوی اسرائیل و آمریکا، همزمان با قدرت‌های اروپایی، چین، روسیه و هر کشوری که با هر کدام از این‌ها رابطه دارد، یعنی تقریباً تمام دنیا، مقابله کند، در مقابل اقدامات نظامی مشترکی که دیگر به اندازه جنگ ۱۲ روزه هم مخالفت بر نخواهد انگیزت، نمتنها بایستد، بلکه طرف مقابل را از پا در بیاورد. چنین تصویری، بسیار منطقی است، اگر هیچ کدام از واقعیت‌های روی زمین و آسمان داخل و خارج از کشور را در نظر نگیریم.

در این میان، برخی شاید امید داشته باشند که این نگاه در مجلس محبوس باشد و در دولتی که مواجهه مستقیم و اجرایی با موضوع دارد، واقع‌گرایی بیشتری دیده شود. لاید برای راحت‌کردن خیال آن‌ها بود که محمدرضا عارف، معاون اول رئیس‌جمهور دیروز چنین موضع قاطعی گرفت: «غربی‌ها تحریم‌های ظالمانه آمریکا را دیدند. حالا مکانیسم ماشه را فعال کنند ببینند چه چیزی درمی‌آید. آخرین برگ‌شان را هم رو کنند. ما هنوز برگ اول‌مان را هم رو نکرده‌ایم.»

کورش احمدی دیپلمات اسبق نمایندگی ایران در سازمان ملل

آیا حاضرند جنگ دومی را به جان بخرند؟

❖ **روندی که حالا هم در حال طی شدن است، به اعتقاد بسیاری به سمت جنگ است. بحث فصل ۷ سازمان ملل متحد هم در میان است. بحث آسیب‌هایی هم مطرح است که می‌تواند خود در حد و اندازه آسیب‌های یک جنگ باشند. به نظر شما الان ایران چه کار می‌تواند بکند و در**

مواجهه با این وضعیت، چه تصمیمی می‌تواند اتخاذ کند؟
مقامات ما باید تکلیف‌شان را از این جهت مشخص کنند که از چه راهی می‌شود مشکل موجود را حل کرد؛ یعنی از چه راهی می‌شود تلاش کرد برای حل مشکلات موجود. دوا راه هم بیشتر وجود ندارد، یکی جنگ، دیگری دیپلماسی؛ یعنی برای جلوگیری از جنگ، در همه جای دنیا و در طول تاریخ همیشه توسل به دیپلماسی تنها راه بديل بوده است. ما اگر بخواهیم به دیپلماسی متوسل شویم، یعنی اگر تصمیم اصولی بگیریم که راه‌حل فقط از طریق دیپلماسی است و از طریق جنگ راه‌حلی قابل‌تصور نیست، در آن صورت باید به طور جدی روی دیپلماسی متمرکز شویم. تمرکز جدی روی دیپلماسی هم یعنی مذاکره کردن با هدف رسیدن به توافق.

این را که تقاضاهای طرفین ممکن است چه باشد، در جریان مذاکره باید دید. با حدس و گمان نمی‌شود گفت که آمریکا فقط دنبال تسلیم ایران است. ممکن است این طور باشد، اما ممکن است این طور هم نباشد؛ لذا، باید مذاکره کرد و در اتاق مذاکره دید که طرف مقابل به طور مشخص چه می‌خواهد. ما در جریان برجام مذاکره کردیم و دیدیم که به طور مشخص طرف مقابل پذیرفت که فقط همین برنامه هسته‌ای در دستور کار باشد. در ارتباط با این برنامه هسته‌ای هم توافق حاصل شد. اینجا هم اظهارات شفاف‌ی، تبلیغاتی و رسانه‌ای را نباید در ارتباط با بحث‌های دیپلماتیک مبنای کار قرار داد. رهبران کشورها مخاطبان متعددی دارند، در داخل و خارج از کشور. پایگاه رأی دارند، پایگاه اجتماعی دارند و در اظهارات عمومی‌شان معمولاً توجه دارند که رضایت این پایگاه اجتماعی را جلب کنند. اگر قرار باشد اظهارات عمومی و علنی مقامات، مثلاً مقامات آمریکایی را مبنای قرار دهیم، هیچ وقت به هیچ نتیجه‌ای نخواهیم رسید. باید ببینیم در اتاق مذاکره طرف مقابل چه چیزی را مطرح می‌کند. در اتاق مذاکره هم جای بحث هست. یک چیزی داریم که موضع مذاکراتی نایمده می‌شود که معمولاً در همان جلسات اول مطرح می‌شود و معمولاً هم موضعی حداکثری است. بعد در جریان چانه‌زنی‌ها، در روزهای آخر طرفین موضع واقعی‌شان را به‌تدریج در جریان بده‌بستان‌های معمول رومی‌کنند. اگر ما به این نتیجه رسیدیم که راهی به جز دیپلماسی وجود ندارد، باید مذاکره کنیم و در مذاکره هم مطمئن باشیم که فقط در اتاق مذاکره و از طرف مقابل باید شنید که موضعی چیست. به صورت علنی و تبلیغاتی، هر حرف بی‌ریطی را هر کسی می‌تواند بزند. این‌ها نباید مبنای کار ما باشد.



این زمینه بکند، نتیجه این خواهد شد که ایران تصمیم می‌گیرد هزینه اقدامی را بپردازد، بدون اینکه واقعاً قصدش را داشته باشد. این یعنی خوردن پیاز، و بعد خوردن کتک و در نهایت به دار کشیده شدن. برخی دیگر هم می‌گویند گام بعدی حرکت به سمت ساخت بمب اتم است، لاید با این تصور که ایران می‌تواند تمام مسیر باقیمانده را بدون دردسر و مشکل طی کند و به نتیجه‌ای

حرکت به سمت سلاح هسته‌ای نیست (که بارها هم بر آن تأکید شده) چرا خروج از ان پی‌تی باید رخ دهد و چرا ایران باید به سمت غنی‌سازی ۹۰ درصدی برود؟ اساساً غنی‌سازی ۹۰ درصدی چه ارزشی برای ایران دارد؟ آیا به تبعات این اقدام فکر شده است؟ اگر بناسست با غنی‌سازی در میزان و گستره بالاتر، ایران تهدید حرکت به سمت سلاح هسته‌ای را مطرح کند، بدون اینکه واقعاً اقدامی در